



## **An Analysis of the Type of Recitation of the Verse of “ Faiza Faraghta Fansab” (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) on the Base of the Interpretations of Two Major Islamic Sects\***

Ali Karimpoor Qaramaliki<sup>۱</sup>

### **Abstract**

Explaining the object of leisure and, more importantly, finding the object of “nasb” and the type of recitation of its verb, is one of the concerns of commentators in the interpretation of verse ۷ of Surah Sharh. The mentioned difference is important because according to Shiite commentators, the contents of the verse are related to the issue of Imamate, but from the point of view of Sunni scholars, the contents of the verse do not related to this issue at all. Sunni commentators, by denying the recitation of “Fansab” with “kasrah”, believing that the meaning of guardianship and Imamate can be extracted only with the above recitation, have tried to deny the recitation with weak arguments, while this finding even can be extracted and proved based on the findings of the present study with the recitation of “fathah”. Creating a connection between the holy verse and the category of Ghadir and consolidating it is one of the innovations of the article; Because sufficient reasons from the Quran and non-Quran can be carried on this important claim. In the present article, an attempt is made to prove the accuracy of the claim of Shiite commentators with several reasons and its connection with the important issue of Ghadir in a descriptive, analytical and critical method, after examining the arguments of the proponents and opponents.

**Keywords:** Prophethood, Imamate, Ali Ibn Abi Talib, Recitations (Qira’at), Differences in Recitation.

---

\*. Date of receiving: ۳۱, May, ۲۰۲۱ - Date of approval: ۷, October, ۲۰۲۱.

<sup>۱</sup>- Assistant Professor and Faculty Member at Al-Mustafa International University  
karimpoorali@yahoo.com



مقاله علمی - پژوهشی

## تحلیل نوع قرائت آیه: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» در سنجه تفاسیر فریقین\*

علی کریم پور قراملکی<sup>۱</sup>

### چکیده

تبیین متعلق فراغت و از آن مهم‌تر، یافتن متعلق نصب و نوع قرائت فعل آن، یکی از دغدغه‌های ذهنی مفسران در تفسیر آیه شریفه ۷ سوره شرح به شمار می‌آید. اختلاف مذکور، از این جهت حائز اهمیت است که به نظر مفسران شیعی، مفاد آیه به مسئله امامت ربط پیدا می‌کند، ولی از منظر عالمان اهل سنت، مفاد آیه از مسئله مذکور، بیگانه است. مفسران اهل سنت، با نفی قرائت «فانصب» با کسره، به گمان اینکه معنای ولایت و امامت، تنها با قرائت فوق، قابل اصطیاد است، درصدد نفی قرائت با ادله ضعیف برآمده‌اند، درحالی که مفاد مزبور بر اساس یافته‌های پژوهش کنونی، با قرائت فتحه کنونی هم، قابل اثبات و اصطیاد است. ایجاد ارتباط بین آیه شریفه و مقوله غدیر و تثبیت آن، از نوآوری‌های مقاله به شمار می‌آید؛ چراکه دلایل کافی از قرآن و غیر قرآن، بر این ادعای مهم قابل اقامه است. در نوشتار حاضر، تلاش بر این است که با شیوه توصیفی، تحلیلی و انتقادی، بعد از بررسی ادله مخالفان و موافقان، صحت ادعای مفسران شیعی با انواع دلایل و ارتباط آن با مسئله مهم غدیر اثبات گردد.

کلیدواژه‌ها: رسالت، امامت، علی بن ابی‌طالب، قرانات، اختلاف قرائت.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۱ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۷/۱۵.

۱ - استادیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی Karimpoorali@yahoo.com.



## بیان مسئله

اختلاف ماندگار بر سر مسئله ولایت و امامت در میان فریقین، نشانگر حساسیت و اهمیت فزاینده آن در میان مسلمانان است. در این میان، عالمان هر یک از فرق، تلاش دارند مدعای خودشان را با آیات و روایات تأیید و تقویت بکنند. تبیین و تشریح مفاد آیه ۷ سوره الشرح، یکی از آن آیات اختلافی است که در این نوشتار، ادله هر یک از طرفین بازبینی می‌گردد تا معلوم بشود که مفاد واقعی آیه شریفه، بر اساس هر دو نوع قرائت چیست؟

بدیهی است، کاوش و نگرش نو در تبیین مفاد آیه شریفه، از این لحاظ اهمیت پیدا می‌کند که حتی می‌توان ادعای دلالت آیه بر مسئله امامت را هم بر مبنای قرائت فعل امر «فانصب» با فتحه به اثبات رساند. افزون بر اینکه، مبحث حاضر غیر از اینکه مذاقه علمی و نظری را با خودش دارد، می‌تواند راهی برای فهم معنا واقعی آیه شریفه بگشاید، و آثار کلامی خاص خودش را با خود به ارمغان بیاورد.

## پیشینه تحقیق

مفسران فریقین، در رابطه با تبیین مفاد آیه مورد بحث، در تفسیر ذیل آیه مذکور، مطالبی را بیان کرده‌اند. بیشتر مفسران اهل سنت، در اثبات مدعای خود بر قرائت نصب با فتح پافشاری کرده‌اند و مفسران شیعه هم، بر قرائت با نصب، اقامه دلیل نموده‌اند. در مقاله‌های مجلات نیز، موضوع خیلی پرداخته نشده و تنها یک مقاله در مجله تخصصی امامت پژوهی در پاییز سال ۱۳۹۰ پیرامون تبیین مفاد آیه شریفه با پافشاری و اقامه دلیل بر قرائت به کسر فعل امر یافت شده است. رساله‌ای هم که حاوی بررسی موضوع با رویکرد نوشتار کنونی باشد، مشاهده نشد؛ بنابراین در نوشتار حاضر، سعی بر این است که دلالت آیه با قرائت فتحه بر مسئله ولایت و امامت معلوم گردد.

## تبیین مفهوم «فراغت و نصب» در لغت و اصطلاح

مؤلفین کتب لغت، بیان داشته‌اند که واژه «فرغ» در معانی مختلف به کار می‌رود. از آن جمله: ۱. معنای قصد کردن در وقتی که با حرف الی یا لام متعدی می‌شود، مانند: فرغت للشیء او الیه؛ قصدت للشیء او الیه (فراهیدی ۱۴۰۸: ۴/۴۰۸) البته، ابن منظور معتقد است که فرغ، بدون حرف تعدی هم به معنای قصد می‌آید، مانند: فرغت ای قصدت (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸ ق: ۴۴۵/۸)؛ ۲. مردن،



مانند فرغ الرجل ای مات مثل قضی؛ ۳. سایر معانی، مثل: خلاء و خالی، ریختن و نزول، مانند آیه ۷ سوره شرح که به معنای وقتی تخلی پیدا کردی، است، و آیه ۱۲۶ سوره اعراف: ﴿... رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَقَّئْنَا مُسْلِمِينَ﴾ و آیه ۹۶ سوره کهف: ﴿... قَالَ أَتَوْنِي أَفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا﴾ (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۴۱۶: ۶۸/۹؛ قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ۱۶۶/۶).

واژه «نصب» نیز، بر اساس بیان اهل لغت، در معانی ذیل به کار می‌رود: نصب بر وزن فلس، به معنای: رنج دادن و رنج دیدن و برپاداشتن است، مانند آیه ۱۹ سوره غاشیه: ﴿وَالِی الْجِبَالِ کَیْفَ نُصِبَتْ﴾. نصب بر وزن قفل و فرس به معنای رنج و تعب و بلاء می‌آید، مثل آیه ۶۲ سوره کهف: ﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتْنِهِ ءَآئِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِینَا مِنْ سَفَرِنَا هَآذَا نَصَبًا﴾. نصیب به معنای بهره معین و ثابت است، مانند آیه ۷ سوره نساء: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِیْبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِیْبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ﴾ (فراهیدی، العین، ۱۴۰۸: ۱۳۵/۷؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۶۷: ۱۷۳/۲؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۹۲: ۸۰۷/۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸ ق: ۷۵۸/۱؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۴۱۶: ۱۲۸/۱۲).

از آنچه بیان شد، معلوم شد که «فرغ»، به معنای فراغت یافتن و تخلی پیدا کردن است و نصب هم، به معنای رنج یا برپاداشتن است.

### شأن نزول آیه شریفه

در خود منابع اهل تسنن، روایاتی که ناظر به بیان شأن نزول آیه است، اشاره شده است. از آن جمله، حسکانی در کتاب خودش، ۵ مورد روایت در ارتباط آیه با مسئله ولایت و امامت را نقل می‌کند (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ۱۴۱۱: ۴۵۱/۲ - ۴۵۲).

در منابع شیعی نیز، روایاتی که در تفسیر و شأن نزول این آیه وارد شده، در مواردی دقیقاً موقعیت زمانی آن را حجة الوداع و پس از اتمام حج معین می‌کند، و گاهی با پیش کشیدن بحث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ» در پی آیه به تحقق آن در غدیر اشاره می‌کند. سه روایت زیر گویای این جهت است: در حدیثی می‌خوانیم: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَوْلُهُ «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ». كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَاجًّا، فَتَنَزَّلَتْ: «فَإِذَا فَرَغْتَ» مِنْ حَجِّكَ «فَانصَبْ» عَلِيًّا عَلَمًا لِلنَّاسِ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: گفته‌ی خداوند: «آن گاه که فراغت یافتی منصوب کن». پیامبر ﷺ در سفر حج بود که چنین نازل شد: وقتی از حج خود «فراغت یافتی» علی را به عنوان عَلَمی برای مردم «نصب کن.» (بحرانی اصفهانی، عوالم





العلوم و المعارف و الاحوال - الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۵۱: ۱۳۸۲) در این حدیث به نزول آیه در سفر حج که مقدمه‌ی غدیر بود، تصریح شده است.

در حدیث دیگر، «حجة الوداع» آمده که صراحت بیشتری دارد: «فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ» قَالَ: فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ حَجَّةِ الْوِدَاعِ فَأَنْصَبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ. در معنای آیه «فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ» فرمود: وقتی از حجة الوداع فراغت یافتی، امیرالمؤمنین را منصوب کن و به سوی پروردگارت رغبت نما. (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۲۳: ۱۳۳/۳۶؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۴۱۲: ۴۲۸/۲)

در حدیث سوم باز، چنین وارد شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): قَالَ عَزَّ ذِكْرُهُ: (فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ)، يَقُولُ: فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ عَلَمَكَ وَ أَعْلِنَ وَصِيَّكَ فَأَعْلِمُهُمْ فَضْلَهُ عَلَانِيَةً. فَقَالَ (علیه السلام): «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ- ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند فرمود: (آنگاه که فراغت یافتی منصوب کن و به سوی پروردگارت رغبت نما)، می‌فرماید: «وقتی فراغت یافتی علامت خود را منصوب کن و جانشین خود را اعلان نما و فضیلت او را علناً بیان کن. این بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه مرتبه فرمود: «هر کس من صاحب اختیار اویم، علی صاحب اختیار اوست؛ خدایا، دوست بدار هر کس او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۱)

## تبیین محل نزاع

بین قرآن‌پژوهان شیعه و اهل سنت، در تفسیر آیه ۷ سوره شرح: ﴿فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ﴾ در باره «فراغ» مقابل شغل و مشغول نزاعی نیست ولی در تبیین «نصب» از دو جهت اختلاف است: یک؛ نوع قرائت از این حیث که فعل امر «فانصب» با فتحه صاد از ریشه نصب، بر وزن «علم یعلم» به معنای خستگی بعد از تلاش و کوشش است یا فعل امر با کسر صاد، از ماده نصب با سکون صاد بر وزن «ضرب یضرب» به معنای رفع و وضع است؟ دو؛ مفاد آیه شریفه با پذیرش معنای تعب و کوشش از «نصب»، به مسئله بسیار مهم ولایت و امامت اشاره دارد یا نه؟

غالب علمای اهل سنت، بیان کرده‌اند که فعل امر «فانصب» به معنای خستگی به همراه تلاش است نه وضع و رفع. آنان، با بیان معنای مشقت و رنج، قرائت با فتحه به معنای وضع، اشاره آیه شریفه به موضوع امامت را به کلی نفی و انکار نموده‌اند. زمخشری، شاخص‌ترین آن‌هاست که مدعی است،



اگر احتمال معنای نصب ولایت و امامت علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله درست باشد، باید اراده وضع عداوت و بغض ولایت علی علیه السلام بعد از فراغت پیامبر، برای فرد ناصبی معنای درستی باشد (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۷۷۲/۴؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۴۹۸/۵؛ سمین، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۵۴۳/۶) در مقابل، بیشتر عالمان شیعی قرائت با نصب را پذیرفته‌اند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۹۰: ۳۱۶/۲۰)، ولی افرادی مانند شیخ طوسی و طبرسی (طوسی، التبیان، بی تا: ۳۷۴/۱۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷۷۳/۱۰) احتمال قرائت با کسره را نیز مطرح کرده‌اند و به دنبالش، مقوله ولایت و خلافت بعد رسول الله صلی الله علیه و آله را بیان نموده‌اند.

البته، عالمان اهل سنت جز ماتریدی (ماتریدی، تأویلات اهل السنه، ۱۴۲۶: ۵۶۹/۱۰)؛ که حکم به اختصاصی بودن این سوره به خود پیامبر داده و سفارش به عدم تکلف در تفسیر نموده است، مفاد آیه شریفه را مختص مورد ندانسته و تسری به عموم مردم داده‌اند که باید آن‌ها نیز بر اساس این آیه شریفه، از بیکاری اجتناب نموده و به کارهای مفید و مورد رضایت خداوند همچون عبادت و جهاد مشغول بشوند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۰۹/۳۲؛ سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۹۳۰/۶).

در هر صورت، با پذیرش احتمال نخست، معنای آیه شریفه این می‌شود که ای پیامبر صلی الله علیه و آله، وقتی از کارهایی مانند: واجبات عبادی، نماز، جهاد و کارهای دنیوی فارغ شدی، خودت را به کارهای دیگر، مثل: مستحبات، دعا، عبادت و کارهای اخروی خسته و در انجام آن‌ها تلاش بکن (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۵۲/۳۰؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ۱۴۲۶: ۲۳۶/۱۰؛ نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶: ۵۲۳/۶)؛ اما بر اساس بیان عالمان شیعی، معنایش این می‌شود که ای پیامبر صلی الله علیه و آله، وقتی از کارهای مربوط به رسالت و نبوت فارغ شدی، در اظهار و بیان ولایت حضرت علی علیه السلام به مردم، تلاش بکن یا امامت آن حضرت را برای مردم، نصب و اعلان بکن.

### ادله مخالفان با احتمال معنای نصب ولایت و امامت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

در میان مفسران اهل سنت، در بیان متعلق فراغت و نصب، کمتر مفسری است که به احتمال فراغت از رسالت و نصب ولایت اشاره بنماید مگر اینکه بطلان آن را ادعا بکند. مفسرانی که با احتمال مذکور مخالفت نموده‌اند، دلایلیشان به شرح ذیل است:



## ۱. عدم استخلاف توسط رسول خدا

قرطبی، از جمله کسانی است که مدعی است پیامبر برای بعد از خودش، کسی را جانشین خودش قرار نداد. بر همین مبنا، ادعا می‌کند که اراده معنای مذکور از آیه شریفه، نمی‌تواند درست باشد (ابن عربی، احکام القرآن، ۱۴۰۸: ۱۹۴۹/۴؛ قرطبی ۱۳۶۴: ۱۰۹/۲۰).

### نقد و بررسی

ادعای مذکور با ادله قرآنی، حدیثی، تاریخی و عقلی سازگار نیست، به دلیل اینکه آیاتی، مانند آیه ۳ سوره مائده و آیه ۵۵ سوره مائده بر اساس نظر زمخشری (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۶۴۹/۱)؛ و آیه ۶۷ سوره مائده طبق نقل فخر رازی (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۴۰۱/۱۲)؛ در قرآن داریم که پیامبر برای بعد از زمان خودش، کسی را به عنوان امام منصوب نموده و برای این کار هم از طرف خداوند موظف به ابلاغش بود. همان‌طور که، خود زمخشری در ذیل آیه ۵۵ سوره مائده اشاره می‌کند بر اینکه نزول آیه مذکور در حق حضرت علی علیه السلام است.

احادیث فراوانی هم، داریم که خود اهل سنت نقل کرده‌اند بر اینکه پیامبر، حضرت علی را جانشین خودش در هنگام برگشت از حجة الوداع قرار داد. همین‌طور، مورخان هم در منابع تاریخی با ذکر همه مستندات، بیان کرده‌اند که پیامبر چنین کاری را انجام داده است (ابن حنبل، مسند، ۱۴۱۶: ۳۶۷ و ۳۷۱؛ بیهقی، السنن الکبری، ۱۴۱۳: ۱۴۸؛ ترمذی، الجامع الصغیر، ۱۳۹۴: ۳۲۷/۴).

از نظر عقل هم، عدم استخلاف توسط پیامبر امکان‌پذیر نیست، به دلیل اینکه عقل پیامبر بر اساس احادیث، کامل‌ترین عقول باید باشد، چگونه این عقل پیامبر نتوانسته تشخیص بدهد که دوام و بقاء سالم یک دین که مواجه با خطرات درونی (منافقین) و بیرونی (روم و ایران) بود، متکی بر استخلاف نباشد؟ در حالی که عقل افرادی، مانند خود خلفای سه‌گانه و عایشه و پسر عمر می‌توانند بفهمند که عقل حکم به استخلاف می‌کند. به یقین، اگر فرض بشود که واقعاً پیامبر خدا استخلاف نداشته باید در توان فکری و سیاسی چنین پیامبری شک کرد! علاوه به اینکه منشأ همه این اختلافات موجود میان امت‌های اسلامی در گذشته و حال، از آثار و تبعات ادعای عدم استخلاف و واگذاری خلافت به انتخاب خود امت است که هنوز هم امت اسلامی گرفتار پیامدهای آن است (سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ۱۳۷۰: ۳۴۲/۱).



## ۲. منافات با مکی بودن سوره

آلوسی در تفسیرش، مدعی است که چون سوره «الشرح» از سوره‌های مکی شمرده می‌شود، لذا نمی‌توان احتمال معنای نصب حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله را از فعل «فانصب» قبول کرد؛ پس معنای نصب ولایت ناصحیح است (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳۹۲/۱۵).

### نقد و بررسی

این دلیل، بر اساس ادله ذیل مخدوش است:

الف- خود قرآن پژوهان قدیم و جدید، بیان کرده و اتفاق دارند که این طوری نیست همه آیات سوره مکی یا مدنی، مکی یا مدنی بوده باشد. ممکن است سوره‌ای، از سور مکی شناخته بشود ولی در آن سوره، آیه نازل شده در مدینه قرار بگیرد یا بر عکس. گذشته از این، احتمال قرار گرفتن آیات مدنی در ضمن سوره‌های مکی، بسیار زیاد است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۷۲/۱)؛ بنابراین محتمل است که این قسمت از آیات، در مدینه نازل شده باشد، ولی با امر پیامبر صلی الله علیه و آله، در مجموعه سوره «الشرح» که مکی است، قرار بگیرد.

ب- اتفاقاً، طبق بیان مرحوم علامه طباطبایی (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۹۰: ۳۱۳/۲۰)؛ خود مضامینی که در سوره هست، نشان می‌دهد که خود این بخش از آیات سوره، در شهر مدینه یا بیرون مدینه باید نازل بشود؛ یعنی در زمانی نازل گردد که پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون از مکه قرار داشته و با انواع هجوم و حملات از داخل و خارج مواجه بوده است که خداوند برای تسکین دل آن حضرت، توجه می‌دهد که غصه نخورد و به کارهای انجام گرفته در گذشته نگاه نکند که کجا قرار داشت و الان در کجاست؟ از این رو، خداوند ایشان را موظف می‌نماید که تنها به وظایف و تکالیف خودش که از سوی خداوند مأمور می‌شود، عمل بکند و از تلاش و مقاومت در راه خداوند دست برندارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳۰/۲۷).

ج- کسانی از برادران اهل سنت که متعلق فراغ را جهاد گرفته‌اند، آن‌ها برای اثبات ادعای خودشان، بیان کرده‌اند که سوره مذکور در مدینه نازل شده است؛ چرا که حکم جهاد و فراغت از آن در مکه نبوده است، بلکه در شهر مدینه بوده است (صدیق حسن خان و محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، ۱۴۲۰: ۴۹۵/۷). بر این اساس، احتمال نزول سوره شرح یا حداقل نزول آیه مورد بحث در شهر مدینه تقویت می‌گردد.



### ۳. از نوع قرائت شاذّ

اکثر مفسران اهل سنت، مدعی اند که قرائت با کسره نصب به معنای نصب ولایت و وضع امامت، از نوع قرائت‌های شاذّ است و اعتباری ندارد (ابن عربی، احکام القرآن، ۱۴۰۸: ۱۹۴۹/۴)؛ افزون بر آن، تبعیت از قرائت شاذّ، از نوع تأویل قریب به لعبی (بازی و بی فائده) محسوب است که در اثر آن، لفظ از معنای ظاهری اش بدون قرینه صارفه و علاقه رابطه دور می‌شود و این امر باطلی است (شنقیطی، اضاء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۴۲۷: ۱۸۱/۹).

#### نقد و بررسی

سخن مذکور هم، ناصحیح است؛ چراکه نه تنها، قرائت شاذّ به معنای بی اعتباری و باطل بودن نیست، لزومی هم ندارد که قرائت، حتماً با کسره خوانده بشود. بر اساس قرائت عامه مردم که حرکتی صادر با فتحه می‌خوانند، ما هم قرائت عامه را ترجیح می‌دهیم ولی متعلق فراغ و نصب را، منحصر نمی‌دانیم در آن معانی و مصادیقی که عالمان اهل سنت، آنها را ادعا کرده‌اند. بر اساس ادله متقن، متعلق آن فراغ و نصب، همان مساله رسالت و امامت می‌باشد یا حداقل معنای مذکور یکی از احتمالات مهم در آیه شریفه به شمار می‌آید (مستنبط غروی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

### ۴. صدق بدعت و خروج از دین

به نظر زمخشری و دیگران، برداشت مرتبط به امامت و ولایت بدعت شمرده می‌شود و محکوم به بطلان است (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۷۷۲/۴؛ ابن عربی، احکام القرآن، ۱۴۰۸: ۱۹۴۹/۴).

#### نقد و بررسی

الف- طبق بیان علمای اهل سنت، بدعت به معنای «ما أُحْدِثَ وَ لَيْسَ لَهُ أَصْلٌ فِي الشَّرْعِ. وَ مَا كَانَ لَهُ أَصْلٌ يَدُلُّ عَلَيْهِ الشَّرْعُ فَلَيْسَ بِبِدْعَةٍ» است (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ۱۳۸۰: ۱۵۶/۵ و ۹/۱۷)؛ در حالی که مسئله رسالت و استمرار آن در سایه امامت، جزو دین و عین دین شمرده می‌شود. معلوم است که بیان آن، احداث و ادخال در دین بدون اصل و دلیل نیست؛ بلکه بیان ماهوی دین و شئون داخلی آن است که هرگونه سهل انگاری در آن، وارد شدن لطمات به شجره نبوت را به دنبال خود می‌آورد.



ب- اراده معنای تعب در اثر تلاش و کوشش در جهت اعلان ولایت و امامت که علت مبقیه در حیات اسلام به شمار می‌آید، بدون اصل و دلیل منطقی نیست تا احداث در دین و بدعت محسوب گشته و باطل بشود؛ چرا که تحصیل تعب و درخواست تلاش در انجام مستحبات و ادعیه و عبادات از پیامبر ﷺ که جزئی از اخلاق روحی و روانی آن حضرت شناخته می‌شدند، فرضی دور از متفاهم عرفی است یا حداقل حصر معنای آیه در غیر معنای روشن و بارزش است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۳۰/۳۰۴).

#### ۵. عدم نقل قرائت مذکور

برخی از عالمان اهل سنت، گفته‌اند که قرائت با کسر صاد از هیچ عالمی نقل نشده است (ابو حیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۵۰۱/۱). هر چند سیوطی قرائت مذکور را بدون اینکه برای آن نقدی و حاشیه‌ای بزند، با تعبیر «قیل» نقل می‌کند که نشان می‌دهد وجود ناقل قرائت با کسره نزد وی، امر مقبولی است (سیوطی، الاکلیل فی استنباط التنزیل، ۲۰۰۷: ۱/۲۹۳).

#### نقد و بررسی

الف- اثبات احتمال معنای ولایت، لزوم و حصر قرائت با کسر را نمی‌طلبد تا دنبال قارئ آن باشیم؛ چرا که احتمال معنای امامت با قرائت فتح صاد هم امکان پذیر است. اتفاقاً طبق ادله‌ای که اشاره خواهد شد، از معانی بارز و حتمی آیه شریفه به شمار می‌آید (مستنبط غروی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

ب- به نظر عالمان شیعی، قرائت با فتحه که عامه مردم بر آن هستند، درست است و از خود اهل بیت نیز، قرائت با همان فتحه نقل شده است. از آن جمله:

۱. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که: «فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ نَبْوَتِكَ فَانصَبْ عَلَيَّا وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ فِي ذَلِكَ» (کوفی، تفسیر فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۷۲/۱؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۵/۳۴۴).

۲. همچنین در کتاب اصول کافی از امام صادق علیه السلام آمده است: «يَقُولُ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ عَلَيْكَ وَأَعْلِنَ وَصِيَّكَ فَأَعْلَمَهُمْ فَضْلَهُ عَلَانِيَةً فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ الْحَدِيثُ قَالَ وَ ذَلِكَ حِينَ أَعْلَمُ بِمَوْتِهِ وَ نُعِيَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۱/۲۹۴).



۳. همین طور از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام» (قمی، تفسیر قمی، ۱۴۱۲: ۲/۴۲۸).  
البته، در روایات بالا، به صورت صریح، قرائت ائمه علیهم السلام با فتحه، به صورت صریح مشاهده نمی شود و قرائت با کسره هم محتمل است، ولی ادعا این است که اگر قرائت امام علیه السلام با فتحه باشد، ایشان نیز همان معنایی را فهمیده اند که ما در مقام اثبات آن معنا هستیم.

### ادله موافقان با احتمال معنای نصب ولایت و امامت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

همه مفسران شیعه با پذیرش معنایی گفته شده توسط مفسران اهل سنت و نفی انحصار آیه در معنای مذکور، اتفاق دارند، بر اینکه مقصود از نصب در آیه شریفه با قرائت کسر طبق احادیث، نصب ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۸: ۲/۱۴۵۶).  
بر این اساس، فعل «فانصب» به معنای «فانصب فی علی و خلافته؛ تعب و مشقت داشته باش در علی و خلافت آن حضرت» همانند معنای «فانصب فی الدعاء؛ یعنی اتعب للدعاء یا فانصب فی العبادة؛ یعنی اتعب للعبادة یا ...» است (اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴/۸۱۵)؛ هر چند برخی از آنان، بیان نموده اند که به احتمال زیاد، قرائت آیه شریفه با فتحه صاد است که قرائت عامه هم هست (مستنبط غروی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

افراد مذکور برای اثبات ادعای خود، ادله ای را ذکر کرده اند که برخی از آنها، به شرح ذیل است:

#### الف- ادله قرآنی

۱. همسانی با آیات ولایت و امامت؛ معنای تحمل زحمت و تلاش برای اعلان ولایت، در واقع مفاد آیاتی که مسئله ولایت و امامت را بیان می کنند، می باشد. اگر پذیرفته بشود که آن آیات، مانند آیه ۳ سوره مائده مسئله مهم ولایت و امامت را بیان می کنند، مفاد آیه مزبور هم بیانگر همان مضامین و در راستای آنها خواهد بود.

۲. همراهی با سیاق سوره شریفه؛ بدون شک، تقریباً همه مفسران اهل سنت می پذیرند که مفاد آیات نخست و بعدی آیات سوره شرح، در رابطه با رسالت و نبوت آن حضرت می باشد. روشن است که آیات بعدی هم در ادامه بیان همان مضامین باید باشد. این هم معلوم است که تا وقتی قرینه ای بر خلاف مطالب قبلی نباشد، نباید از آن مضامین دست برداشت. روی این اساس، می توان به آسانی



معنای گفته شده از سوی مفسران شیعه را پذیرفت (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۳۰/۳۰).

۳. همخوانی با قرائت مشهور آیه شریفه؛ مفسران اهل سنت، چنین پنداشته‌اند که "شیعه" قرائت آیه را تغییر می‌دهد، تا برای مساله ولایت به آن استدلال کند، در حالی که از منظر مفسران شیعه، هرگز نیاز به چنین تغییری نیست، بلکه همین قرائت معروف و شناخته شده برای تفسیر مزبور کافی است، زیرا آیه شریفه دلالت بر این دارد که بعد از فراغت از امر مهمی مانند رسالت برای امر مهم دیگری مانند ولایت تلاش و کوشش کن. از منظر عالمان شیعی، مفاد فوق به عنوان يك مصداق برای آیه شریفه کاملاً قابل قبول است و می‌دانیم پیامبر طبق حدیث معروف غدیر و احادیث فراوان دیگر که در کتب همه علمای اسلام آمده است، تلاش پی‌گیر و مستمری در این زمینه داشت (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۳۱/۲۷)؛ حتی بعضی از مفسران بیان کرده‌اند که قرائت فعل «فانصب» با کسره، نقل نشده است (ثقفی تهرانی، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ۱۳۸۹: ۴۰۵/۵).

#### ب- ادله غیر قرآنی

۱. احادیث منقول در کتب اهل سنت؛ در روایات متعددی که دانشمند معروف اهل سنت، حافظ حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل» نقل کرده از امام صادق (ع) چنین آمده است که فرمود: یعنی «هنگامی که فراغت یافتی علی را به ولایت نصب کن» (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱: ۳۴۹/۲، احادیث ۱۱۱۶ تا ۱۱۱۹). لازم به ذکر است که در همه این روایات پنجگانه، اراده معنای ولایت و امامت با قرائت فتح صاد «فانصب» همراه است نه با قرائت کسره صاد «فانصب».

۲. احادیث منقول در کتب شیعه؛ در کتب عالمان شیعه، مانند: اصول کافی، تفسیر قمی، تفسیر فرات کوفی، مناقب آل ابی طالب (ع) روایاتی آمده است که دلالت دارند بر اینکه وقتی پیامبر مردم را به هم الفت داد و آنها را در مساعدت به هم ترغیب فرمود، آیه شریفه فوق نازل گردید و ایشان را مکلف به وظیفه خطیری فرمود (کوفی، تفسیر فرات کوفی، ۵۷۳/۱۴۱۰؛ بحرانی، البرهان، ۱۳۷۴: ۶۸۹/۵؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹: ۲۳/۳) از جمله:

الف- از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «... وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَأَلَّفُهُمْ، وَيَسْتَعِينُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَا يَزَالُ يُخْرِجُ لَهُمْ شَيْئًا فِي فَضْلٍ وَ صِيٍّ حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ، فَاحْتَجَّ عَلَيْهِمْ حِينَ أُعْلِمَ





بِمَوْتِهِ وَنُعِيَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ، فَقَالَ اللَّهُ - جَلَّ ذِكْرُهُ -: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» يَقُولُ: فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ عِلْمَكَ، وَ أَغْلِنْ وَ صَبِّكَ، فَأَعْلِمَهُمْ فَضْلَهُ عَلَانِيَةً، فَقَالَ ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ ... وَ رسول خدا ﷺ ایشان را به هم پیوند و آمیزش می داد، و به واسطه بعضی از ایشان بر بعضی یاری می جست، و همیشه بر سبیل تدریج چیز کمی را در باب فضل وصی خویش برای ایشان اظهار می فرمود، تا آن که این سوره (با این آیه، که بعد از این مذکور می شود، نازل شد). پس حجت را برایشان تمام کرد در هنگامی که به مردن خویش اعلام شد و خبر وفاتش به او رسید، و خدای جلّ ذکره فرمود که: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ\* وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ». حضرت فرمود که: «خدا می فرماید که: چون فارغ شوی، عِلْم و نشانه خویش را بر پای دار، و وصی خود را آشکار کن» پس، «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ را یه نوبت تکرار فرمود (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۲/۲۴).

البته، مرحوم مجلسی در ذیل حدیث فوق اشاره می کنند بر اینکه مستفاد از این حدیث، این است که «فانصب» با کسره به معنای برپاداشتن و گماشتن قرائت شده است و این مخالف با قرائتی است که در قرآن وجود دارد. شاید، همان معنا در قرائت با نصب هم باشد هر چند این معنا، در لغت «فانصب» با فتحه نقل نشده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۳/۲۷۵ - ۲۷۶).

لکن به نظر می رسد، طبق آنچه که ما بیان کردیم، نیازی به بیان این مطلب هم نباشد چون که نصب به همان معنای تعب و مشقت هم باشد، یکی از مصادیق بارز و مهمش، برپاداشتن ولایت و خلافت بعد از رحلت پیامبر ﷺ است.

ب- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «قَالَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ بَعِيٍّ - وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ - فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ نُبُوتِكَ فَانصَبْ عَلِيًّا وَصِيًّا - وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ فِي ذَلِكَ؛ خداوند سبحان و تعالی فرمود که آیا ما سینه شما را با علی باز نکردیم و از تو سنگینی که پشت تو را می شکست، برنداشتیم. پس، وقتی از نبوت فارغ شدی، علی را به عنوان وصی نصب بکن و در آن مسئله، به سمت پروردگارت رو بیا» (همان: ۱۳۵/۳۶).

۳. مناسب تر بودن معنای نصب ولایت با تعب و رنج؛ آن چیزی که با تعب و رنج تناسب بیشتری دارد، مسأله مهم نصب خلیفه توسط پیامبر بود نه اموری مانند: واجبات عبادی، نماز، جهاد با دشمن و کارهای دنیوی؛ زیرا مسئله خلافت بعد از پیامبر، از امور اجتماعی مهمی بود که خیلی از افراد متشخص در آن زمان، بدان چشم دوخته بودند. از اینرو، مخالفت در برابر آنها، نگرانی هایی برای



پیامبر به وجود می آورد که به سبب آنها از طرف خداوند، پیامبر در آیه معروف به «تبلغ»، موظف به بیان آن حقیقت برای مردم به صورت علنی گردید (استرآبادی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، ۱۴۰۹: ۷۸۵/۱).

۴. تناسب معنای نصب ولایت با فراغ؛ اگر ابلاغ از رسالت، احکام، جهاد، عبادات و ... را، متعلق فراغ بدانیم، چه چیزی مناسب تر برای فراغ، از ایصاء و تعیین وصی برای ابقاء دین و نگه داشتن آن تا وقت معلوم و روز قیامت است؟ (مستنبط غروی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۱: ۳۰/۲۲۴)؛ بالاخره، نمی توان ایصائی که برای هر مسلمانی برای بعد از مرگش واجب است، پیامبر اکرم ﷺ را از نگاه حاکمیتی و مدیریتی هم که بر جامعه داشتند، مستثناء دانست!

۵. اهمیت والای مقام ولایت و خلافت؛ از این که خداوند؛ در آیات قرآن کریم، مانند آیه ۲۸ سوره آل عمران: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ به تحذیر از خودش جز در امر ولایت اشاره ای نمی کند، معلوم می شود که امر ولایت از جایگاه رفیع و بی بدیلی در پیشگاه الهی برخوردار است. این ولایت، شئون و درجات مختلفی، مثل ولایت الله، ولایت رسول الله و ولایت ولی امر (امام) دارد. حال، پرسش این است که آیا جایگاه مذکور، نمی طلبد که پیامبر از طرف خداوند برای آن هم؛ یعنی ولایت ولی امر برای بعد از خودش، موظف و مکلف به تکلیفی گردد که برای خاطر آن تلاش و مشقت را متحمل گردد. آیه امر ولایت و امامت به معنای حق تصرف و سلطنت، امر مهمی نیست که ابن عاشور در تفسیرش، متذکر عمومیت معنای آیه و شمول آن به هر عمل مهمی می شود (ابن عاشور، التحرير والتنوير، ۱۴۲۰: ۳۶۸/۳۰).

۶. مفاد استفاد از فاء مفرعه؛ فراغ در آیه شریفه، از نماز نیست تا اینکه اشتغال و تعب هم در دعا باشد در عین اینکه در دعا مشقتی نیست. پس، فاء متفرع به اصل سابق است و آن، همان شرح صدر و وضع وزر و رفع ذکر است که رسالت محمدیه آن سه را با عسر و یسر در خودش جمع کرده است. از این رو، باید فراغ، از ابلاغ رسالت باشد و آن در هنگام مرگ قابل طرح است، لذا نصب و تعب هم باید برای استمرار رسالت باشد تا اینکه پیامبر، رغبت به سوی پرودگار داشته باشد در حالی که وظیفه ابلاغی خودش را بر اساس آیه ۶۷ سوره مائده در باره استمرار رسالت اداء نموده است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۳۵۴/۳۰).

به هر روی، آنچه که از ادله موافقان و مخالفان به دست آمد، معلوم شد که معنای نصب از نظر



مفسران اهل سنت و شیعه، به معنای رنج خستگی ناپذیر است. هر دو گروه، در این معنا با هم اختلافی ندارند لکن علمای اهل سنت، بیان می‌کنند که پیامبر غیر امر امامت و وصایت را از طرف خداوند، مأمور به تلاش و رنج در بیان آن بود. در مقابل، عالمان شیعی مدعی‌اند که معنای امامت و ولایت بر عهده پیامبر از مهمترین وظایف آن حضرت بود. از ادله مفسران شیعی، پیداست که حق با آنهاست؛ چرا که اهمیت حکومت و سیاست در عصر کنونی بر کسی پوشیده نیست. در سالیان گذشته و دور مانند زمان پیامبر ﷺ هم، باید قضیه به همین اهمیت باشد.

### نتیجه

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که:

۱. متعلق فراغ و نصب، برخلاف آنچه مفسران گرامی اهل سنت در بیان آن برآمده‌اند، محدود و منحصر نیست.
۲. بر اساس قرائت «فانصب» با فتحه، اراده معنای مشقت و تعب در اعلان ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر اکرم ﷺ بعد از فراغت از رسالت و نبوت، یکی از مصادیق بارز و اتم آیه شریفه به شمار می‌آید.
۳. ادله مخالفان با اراده معنای مذکور از منظر مفسران شیعه، به طور کامل مخدوش است و حق با اراده معنایی است که مفسران شیعه در مقام بیان آن برآمده‌اند. ادله قرآنی، مانند: همسانی با آیات ولایت و امامت، همراهی با سیاق سوره شریفه و همخوانی با قرائت مشهور آیه شریفه و نیز ادله غیر قرآنی، مثل: احادیث منقول در کتب اهل سنت و شیعه، مناسب تر بودن معنای نصب ولایت با تعب و رنج، تناسب معنای نصب ولایت با فراغ، اهمیت والای مقام ولایت و خلافت و مفاد مستفاد از فاء مفرّعه، صحت ادعای مفسران شیعه را معلل و مستدل می‌نماید.



## منابع

١. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
٢. ابن حجر عسقلانی، احمد بن محمد، فتح الباری لشرح صحیح البخاری، المطبعة السلفية، قاهره: ۱۳۸۰ ق.
٣. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نشر علامه، تهران: ۱۳۷۹ ش.
٤. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، نشر موسسه التاريخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
٥. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، نشر دارالجليل، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
٦. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
٧. ابن منظور، لسان العرب، نشر دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
٨. ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، نشر دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۲۰ ق.
٩. ابن حنبل، احمد، مسند، مكتبة الرساله، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
١٠. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، نشر جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، قم: ۱۴۰۹ ق.
١١. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر راد، تهران: ۱۳۷۳ ش.
١٢. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، چاپ اول، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
١٣. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن المجید، نشر موسسه بعثه، تهران: ۱۳۷۴ ش.
١٤. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال - الامام علی بن ابی طالب (ع)، نشر موسسه الامام المهدي، قم: ۱۳۸۲ ش.
١٥. بیهقی، السنن الکبری، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۳ ق، ۱۹۲۲ م.



۱۶. ترمذی، سنن (الجامع الصغیر)، تصحیح عبد الرحمن محمد عثمان، دار الفکر، بی‌جا: چاپ دوم، ۱۳۹۴ ق.
۱۷. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف التفسیر الثعلبی، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۶ ق.
۱۸. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، نشر برهان، تهران: ۱۳۸۹ ش.
۱۹. حاکم الحسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، نشر مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، طهران: ۱۴۱۱ ق.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، نشر مؤسسه الاعلمی، بیروت، لبنان: ۱۴۰۸ ق.
۲۱. راغب اصفهانی، ابو القاسم، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار الکاتب العربی، بیروت: ۱۳۹۲ ق.
۲۲. زمخشری، جار الله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. سبحانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، نشر شورای مدیریت حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۰ ش.
۲۴. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ دوم، نشر دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۱ ق.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاکلیل فی استنباط التنزیل، نشر دار الکتب العلمیه، بی‌جا: ۲۰۰۷ ق.
۲۷. شنقیطی، محمد امین، اضواء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۷ ق.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد، تفسیر الفرقان، نشر فرهنگ اسلامی، قم: ۱۴۰۶ ق.
۲۹. صدیق حسن خان و محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۳۰. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق.



٣١. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، نشر ناصر خسرو، تهران: ١٣٧٢ ش.
٣٢. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، نشر دارالمعرفه، بیروت: ١٤١٢ ق.
٣٣. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه بی جا: ١٣٦٧ ش.
٣٤. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ١٤٢٠ ق.
٣٥. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز النشر لمکتب الاعلام الاسلامی، قم: ١٤١٨ ق.
٣٦. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مکتبه الصدر - ایران - تهران: چاپ: ٢، ١٤١٥ ق.
٣٧. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران: ١٣٧١ ش.
٣٨. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، چاپ اول، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ١٣٦٤ ش.
٣٩. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، نشر موسسه العلمی للمطبوعات، بیروت: ١٤١٢ ق.
٤٠. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران: ١٤٠٧ ق.
٤١. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، نشر وزاره الثقافه الاسلامیه، تهران: ١٤١٠ ق.
٤٢. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات اهل السنه، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ١٤٢٦ ق.
٤٣. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بیروت: ١٤٢٣ ق.
٤٤. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران: ١٤٠٤ ق.
٤٥. مستنبط غروی، مرتضی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، نشر شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، بی جا: ١٣٨١ ش.
٤٦. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، نشر موسسه الطباعه و النشر، تهران: ١٤١٦ ق.
٤٧. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ٢٨ جلد، دار الکتب الإسلامیه - ایران - تهران: چاپ: ١٠، ١٣٧١ ه. ش.
١. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت: ١٤١٦ ق.



## References

- ۱- The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
- ۲- Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf, Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir, Dar al-Fikr Publishing, Beirut: ۱۴۱۲۰ AH.
- ۳- Alusi, Seyyed Mahmoud, Tafsir Ruh al-Ma'ani (The Exegesis of the Spirit of Meanings), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۱۵ AH.
- ۴- Astarabadi, Ali, Ta'wil al-Ayat al-Zahirah fi Fadha'il al-I'tra'h al-Tahirah (Interpretation of the Apparent Verses on the Virtues of Ahlul Bayt), Jamia'h Muaddisin of Qom Seminary, Qom: ۱۴۰۹ AH.
- ۵- Bahrani Isfahani, Abdullah bin Noorullah, Awalim al-Ulum wa al-Ma'aref wa al-Ahwal - Imam Ali Ibn Abi Talib (A.S) (The Worlds of Knowledge and Sciences and Conditions), Imam Al-Mahdi Institute, Qom: ۲۰۰۳.
- ۶- Bahrani, Seyyed Hashim bin Suleiman, Tafsir al-Burhan fi Tafsir al-Quran al-Majid, Be'that Foundation, Tehran: ۱۹۹۵.
- ۷- Bayhaqi, Sunan al-Kubra, Dar al-Ma'rifah, Beirut: ۱۴۱۳ AH.
- ۸- Fakhr Razi, Muhammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb (The Keys of the Unseen World), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۲۰ AH.
- ۹- Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ayn, Muassasah al-A'lami, Beirut, Lebanon: ۱۴۰۸ AH.
- ۱۰- Fayz Kashani, Muhammad bin Shah Murtaza, Al-Asfi fi Tafsir fl-Quran, Markaz al-Nashr li Matab al-I'lam al-Islami, Qom: ۱۴۱۸ AH.
- ۱۱- Fayz Kashani, Muhammad bin Shah Murtaza, Tafsir fl-Safi, Maktabah al-Sadr - Iran - Tehran: ۲nd Edition, ۱۴۱۵ AH.
- ۱۲- Hakim al-Haskani, Obaydullah bin Abdullah, Shawahid al-Tanzil li Qawai'd al-Tafdhil (The Pieces of Evidence of the Revelation of the Rules of Preference), Publication of the Printing Institute Affiliated to the Ministry of Islamic Culture and Guidance, Tehran: ۱۴۱۱ AH.



- ١٣- Ibn Arabi, Muhammad bin Abdullah, Ahkam al-Quran (The Rules of Quran), Dar al-Jail Publications, Beirut: ١٤٠٨ AH.
- ١٤- Ibn Ashour, Muhammad Tahir, Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir (The Exegesis of Clarification and Enlighenment) al-Ma'ruf by Tafsir Ibn Ashur, Institute of Arab History Pulications, Beirut: ١٤٢٠ AH.
- ١٥- Ibn Atiyyah, Abdul Haq bin Ghalib, Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir fl-Kitab al-Aziz (A Concise Compilation on The Exegesis of Holy Book), Dar Al-Kutub al-Ilmiyah Publications, Beirut: ١٤٢٢ AH.
- ١٦- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad bin Muhammad, Fath al-Bari li Sharh Sahih Al-Bukhari, Salafi Press, Cairo: ١٣٨٠ AH.
- ١٧- Ibn Hanbal, Ahmad, Musnad, Maktab al-Risalah, Beirut: ١٤١٦ AH.
- ١٨- Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram; Lisan al-Arab (Arabic Language / Tongue of Arabs), Dar Ihy al-Turath al-Arabi, Beirut: ١٤٠٨ AH.
- ١٩- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad bin Ali, Manaqib Ale Abi Talib (The Virtues of Abu Talib's Familu), Allama Publishing, Tehran: ٢٠٠٠.
- ٢٠- Ishkavari, Muhammad bin Ali, Tafsir Sharif Lahiji, Rad Publishing Office, Tehran: ١٩٩٤.
- ٢١- Kawfi, Furat bin Ibrahim, Interpretation of Furat al-Kawfi, Ministry of Islamic Culture Publications, Tehran: ١٤١٠ AH.
- ٢٢- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Usul Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ١٤٠٧ AH.
- ٢٣- Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anvar (The Oceans of Lights), Dar al-Ta'aruf Publishing House, Beirut: ١٤٢٣ AH.
- ٢٤- Majlisi, Muhammad Baqir, Mirat al-Uqul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul (The Mirror of the Minds in the Explanation of the Narrations of the Prophet's Progeny), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ١٤٠٤ AH.
- ٢٥- Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemoooneh (The Ideal Exegesis), ٢٨ Volumes, Dar al-Kutub al-Islamiyyah - Iran - Tehran: Published: ١٠th Edition, ١٩٩٢
- ٢٦- Maturdidi, Muhammad bin Muhammad, Ta'wilat Ahl al-Sunnah (The Hermenuetics of Ahl Sunnah), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٦ AH.





- ۲۷- Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran (Research on the Quranic Words), Published by the Institute of Printing and Publishing, Tehran: ۱۴۱۶ AH.
- ۲۸- Mustanbat Gharavi, Murtaza, Mawahib al-Rehman fi Tafsir al-Quran (The Divine Blessings in the Exegesis of Quran), Azarbayjan Book Printing Company, N.p: ۲۰۰۲.
- ۲۹- Nizam al-A'raj, Hassan bin Muhammad, Tafsir Gharaib al-Quran and Raghaib al-Furqan, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۶ AH.
- ۳۰- Qarashi, Seyyed Ali Akbar, Quran Dictionary, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۲.
- ۳۱- Qomi, Ali bin Ibrahim, Tafsir of Qomi, Muassasah al-A'lami lil Matbua'at, Beirut: ۱۴۱۲ AH.
- ۳۲- Qurtubi, Muhammad gin Ahmad, Al-Jami' li Ahkam al-Quran (A Collection of Quranic Rules), Naser Khosrow Publications, Tehran: ۱st Edition, ۱۹۸۵.
- ۳۳- Raghīb Isfahani, Abu al-Qasim, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran (Glossary of Quranic Words), Dar al-Katib al-Arabi, Beirut: ۱۳۹۲ AH.
- ۳۴- Sadiqi Tehrani, Muhammad, Tafsir al-Furqan, Islamic Culture Publishing, Qom: ۱۴۰۶ AH.
- ۳۵- Samin, Ahmad bin Yusuf, Al-Durr al-Musun fi Uloom al-Kitab al-Maknoon (The Safe Peals in Quranic Sciences), Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah Publishing, Beirut: ۱۴۱۴ AH.
- ۳۶- Saqafi Tehrani, Muhammad, Ravan Javid (The Eternal Soul) in the Interpretation of the Holy Quran, Borhan Publication, Tehran: ۲۰۱۰.
- ۳۷- Shanqiti, Muhammad Amin, Adhwa' al-Bayan fi Tafsir al-Quran bi al-Quran (The Manifestations of Expression in the Exegesis of Quran with Quran), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۲۷ AH.
- ۳۸- Siddiq Hassan Khan and Muhammad Siddiq, Fath al-Bayan fi Maqasid al-Quran (The Clarification of Statement in the Purposes of the Quran), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۲۰ AH.
- ۳۹- Subhani, Jafar, Lectures on Theology, Qom Seminary Management Council Publication, Qom: ۱۹۹۱.

- ٤٠- Suyui, Jalaluddin, Al-Itqan fi Uloom al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran), Dar Kitab al-Arabi, Beirut: ٢nd Edition ١٤١٤ AH.
- ٤١- Suyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Al-Iklil fi Istinbat al-Tanzli (The Crown in the Inference from Quran), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, N.p.: ٢٠٠٧ AH.
- ٤٢- Tabari, Muhammad ibn Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Collective Expression in the Exegesis of Quran), Dar al-Ma'rifah Publications, Beirut: ١٤١٢ AH.
- ٤٣- Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Tafsir Majma' al-Bayan (The Exegesis of the Confluence of Expressions), Naser Khosrow, Tehran: ١٩٩٣.
- ٤٤- Tabatabai, Muhammad Hossein, Tafsir al-Mizan, Muassasah al-A'lamii lil Matbua'at, Beirut: ٢nd Edition, ١٣٩٠ AH.
- ٤٥- Tha'labi, Ahmad bin Muhammad, Al-Kashf and al-Bayyan (The Discovery and Clarification) al-Ma'ruf al-Tafsir al-Tha'labi, Dar Ihya Al-Turath al-Arabi, Beirut: ١٤٢٦ AH.
- ٤٦- Tirmidhi, Sunan (Al-Jame' al-Saghir), Edited by Abd al-Rahman Muhammad Uthman, Dar al-Fikr, N.p.: ٢nd Edition, ١٣٩٤ AH.
- ٤٧- Tureihi, Fakhruddin bin Muhammad Ali, Majma-ul-Bahrain (The Confluence of the Two Seas / The Mingling of the Two Oceans), Islamic Culture Publishing Hous, N.p.: ١٩٨٨.
- ٤٨- Zamakhshari, Jarullah Mahmud bin Umar, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil (Discovering the Realities of the Ambiguities of the Revelation), Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ٢rd Edition, ١٤٠٧ AH.